

درس تفسیر استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: سوره بقره  
 تاریخ: ۲۰ بهمن ۱۴۰۰  
 موضوع جزئی: آیه ۴۶ \_ ارتباط آیه با آیه قبل و بعد \_  
 مصادف با: ۷ رجب ۱۴۴۳  
 تفسیر آیه: ۱. معنای ظن \_ احتمالات مختلف در معنای ظن  
 جلسه: ۴۵

﴿اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِيْنَ وَصَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِيْنَ وَاللّٰعْنُ عَلٰى اَعْدَائِهِمْ اَجْمَعِيْنَ﴾

آیه ۴۶: «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»

معنای تحت اللفظی این آیه روشن است. میفرماید: کسانی که گمان دارند یا می‌دانند که پروردگارشان را ملاقات خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت.

واژه خاصی که در این آیه نیاز به توضیح داشته باشد وجود ندارد و عمده این معنای کلی و ارتباطش با آیات قبل است.

**ارتباط آیه با آیه قبل**

در پایان آیه قبل اشاره به خاشعان داشتند، اینجا توصیفی از خاشعین می‌کند. می‌گوید خاشعین کسانی هستند که ظن به ملاقات پروردگارشان دارند و اینکه به سوی او باز خواهند گشت. این توصیف خاشعان است، کسی که اینچنین است، اهل خشوع است. کأن ثمره این اعتقاد خشوع قلبی است. باید دید واقعا این به ملاقات ربّ به چه معناست، رجوع به خداوند و بازگشت به خداوند هم معنایش روشن است.

**۱. معنای ظن**

عمده این است که «الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» به چه معناست. هر معنایی هم که اینجا می‌کنیم باید با خشوع سازگار باشد، یعنی ظن به ملاقات ربّ به گونه‌ای باشد که این خشوع را در پی داشته باشد، و الا اگر طوری معنا شود که ارتباطی با خشوع پیدا نکند، دیگر نمی‌تواند وصف خاشعین قلمداد شود. مثلا وقتی شما می‌خواهید وصف علم یا قدرت یا شجاعت را بیان کنید، می‌گویید شجاع کسی است که ترس به دل او راه ندارد، یا قادر و صاحب قدرت کسی است که توانایی اعمال افکار و عقاید خودش را دارد، مثلا عدّه و عُده دارد و می‌تواند افکار و ایده‌های خودش را اعمال کند. این اگر توصیف شد به این اوصاف، در حقیقت با این اوصاف است که شجاعت، علم و قدرت تحقق پیدا می‌کند. اینجا خداوند تبارک و تعالی در توصیف خاشعان میفرماید: خاشعان کسانی هستند که «يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». ظن به دو چیز دارند: ۱. ملاقات پروردگار ۲. بازگشت به سوی او. ملاقات ربّ و رجوع به سوی ربّ دو چیز است، لذا باید معلوم شود که ملاقات ربّ به چه معناست و رجوع إلى الربّ اشاره به چه چیزی دارد. البته «يَظُنُّونَ» در بخش دوم هم می‌آید، یعنی يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ إِلَيْهِ رَاجِعُونَ. بر اساس این آیه اگر کسی اعتقاد، علم و ظن (بنابر احتمالاتی که اینجا وجود دارد)، به این دو چیز داشته باشد در دل او نسبت به پروردگار خشوع ایجاد می‌شود.

**احتمالات مختلف در معنای ظن**

درباره معنای «ظن» چند احتمال وجود دارد. اینکه می‌گوید «يُظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ» حدود چهار احتمال بیان شده که همه اینها نیازمند توجیه است.

### احتمال اول: ظن به معنای یقین

یک احتمال اینکه «ظن» در اینجا به معنای علم و یقین باشد. برخی مفسران گفته‌اند که اینجا ظن به معنای علم و یقین است. يَظُنُّونَ أَي يَعْلَمُونَ، الذین يعلمون أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ. حال چگونه ممکن است ظن استعمال شود ولی یقین از آن اراده شود؟

می‌گویند ظن نوعی اعتقاد است. منتهی اعتقاد تارة همراه با احتمال نقیض است و آخری احتمال نقیض به آن ضمیمه نمی‌شود. اگر اعتقاد به چیزی با احتمال نقیض همراه شد، ظن اصطلاحی است. یعنی احتمال راجح. اگر بدون همراهی احتمال نقیض باشد، همان یقین و علم است که البته خود علم و یقین هم بالمعنی الأخص و أعم دارد. حال اگر کسی اعتقاد داشته باشد به ملاقات با پروردگار یا به روز قیامت و اینکه روزی به سوی او باز خواهد گشت، چنانچه احتمال نقیض این را بدهد، همان ظن اصطلاحی است، یعنی اعتقاد دارد به اینکه با پروردگارش ملاقات می‌کند، اعتقاد به روز قیامت دارد، اما این اعتقاد همراه با احتمال عدم آن هم هست. یعنی احتمال بدهد ولو ضعیف که قیامت و ملاقاتی با پروردگار نیست و او رجوع به آن نمی‌کند، این شاید به یک معنا کفر باشد. اندک تردیدی در قیامت و اندک تردید در ملاقات با پروردگار که گفته‌اند منظور مرگ است یا مقدمه‌ای برای آن است، با ایمان سازگار نیست و اساساً این موجب خشوع نمی‌شود. پس چطور ممکن است که انسان احتمال عدم رجوع به خداوند در قیامت را بدهد و احتمال دهد که قیامتی بر پا نمی‌شود، و در عین حال خاشع باشد. و نفس این احتمال ضعف در اعتقاد است و اگر کسی اینطور باشد، اصلاً شایسته مدح و ستایش نیست در حالی که خدا دارد اینها را در اینجا مدح می‌کند و اساساً معلوم نیست که خشوع را در پی داشته باشد. پس ظن به معنای اصطلاحی در اینجا منظور نیست، بلکه به معنای علم و یقین است. تناسب هم همین است که بالاخره این اعتقاد وجود دارد، منتهی احتمال نقیض هم منتفی شده، اگر این احتمال را بپذیریم، استعمال مجازی می‌شود. يَظُنُّونَ أَي يوقنون، ای يعلمون، اما لازمه اش این است که این استعمال مجازی باشد.

ممکن است کسی بگوید این استعمال مجازی نیست، از باب اینکه اینها یک جنس مشترک دارند و آن هم اصل اعتقاد است. اگر مثلاً شما یک جزء جنسی انسان را بر خود انسان حمل کنید، آیا این استعمال مجاز است؟ مثلاً بجای اینکه بگویید الإنسان حیوانٌ ناطقٌ، بگویید الإنسان حیوانٌ. این استعمال مجاز است؟ یعنی اطلاق جزء تحلیلی عقلی بر مفهوم ولی چه بسا این مجاز است.

البته این معنا شواهد قرآنی هم دارد:

مثلاً در سوره مطففین آمده: «أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ، لِيَوْمٍ عَظِيمٍ». در اینجا الا یظن یعنی یوقن یا یعلم.

۱. سوره مطففین، آیه ۴ و ۵.

یا مثلاً: «قَالَ الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا اللَّهِ كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ»<sup>۱</sup> در اینجا ظن به معنای یقین است. البته بعضی موارد هم ظن به معنای خودش در قرآن بکار رفته است. اگر در جایی قرینه ای وجود نداشته باشد که ظن به معنای علم است، اصل این است که ما آن را به معنای حقیقی خودش یعنی گمان حمل کنیم، مانند: «إِنَّ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ»<sup>۲</sup>. و یا «إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا»<sup>۳</sup>.

بنابراین احتمال اول این است که «يَظُنُّونَ» در اینجا به معنای یوقنون و یعلمون باشد و این استبعادی هم ندارد چه اینکه در برخی دیگر از آیات قرآن این استعمال صورت گرفته است. اما در واقع باید بپذیریم این مستلزم ارتکاب مجاز است.

#### احتمال دوم: ظن به معنای رجاء

احتمال دوم این است که ظن در اینجا به معنای «رجاء» باشد. یعنی الذین یرجون أنّهم ملاقوا ربّهم، خاشعان کسانی هستند که امید و رجاء دارند به ملاقات پروردگار. اگر چنین باشد، باید گفت اینها هم امید به ملاقات پروردگار دارند و هم امید به بازگشت به سوی خداوند. در این صورت مضمون آن مانند آیه: «فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا»<sup>۴</sup> می باشد.

کأن می خواهد بگوید خاشعان کسانی هستند که امید در دل و ذهن آنها هست و البته چون این امید را دارند قهرا اهل خشوع اند. کسی که امید به ملاقات پروردگار و بازگشت به سوی او دارند، قهرا قلبش خاشع است.

برخی از مفسرین هم این احتمال را به یک بیان دیگری گفته اند. مرحوم طبرسی در جوامع الجامع می گوید «يَظُنُّونَ» به معنای يتوقّعون لقاء ثوابه و نیل ما عنده، یعنی توقع این را دارند که به لقاء ثواب خداوند برسند.<sup>۵</sup>

برخی دیگر از تفاسیر هم به این مضمون اشاره کردند و البته در روایاتی هم این معنا ذکر شده است.

در یک روایتی تفسیر منسوب به امام عسکری است آمده: و يتوقّعون أنّهم يلقون ربّهم اللقاء الذی هو أعظم کرامته لعباده و أنّهم إليهم راجعون إلی کراماته و نعیم جنّاته و إنّما قال يَظُنُّونَ لأنّهم لا يدرون بماذا یختم لهم لأن العاقبة مستورةٌ عليهم لا یعلمون ذلك یقیناً لأنّهم لا یعلمون أن یغیروا و یبدّلوا.<sup>۶</sup> اینجا هم «أنّهم ملاقوا ربّهم» را معنا کرده و هم «أنّهم إليهم راجعون» را.

۱. سوره بقره، آیه ۲۴۹.

۲. سوره انعام، آیه ۱۱۶.

۳. سوره یونس، آیه ۳۶.

۴. سوره کهف، آیه ۱۱۰.

۵. جوامع الجامع، ج ۱، ص ۴۸.

۶. تفسیر صافی، ج ۱، ص ۱۱۱.

عمده بحث ما بر سر «يُظَنُّونَ» است. به اینکه ملاقات ربّ اشاره به چه چیزی دارد و یا رجوع إلى الربّ اشاره به چه چیزی دارد کار نداریم. میفرماید: و يتوقعون أنّهم يلقون ربّهم. البته اینجا ملاقات دیگر اشاره به مسئله قبر و قیامت ندارد که بعداً خواهیم گفت.

پس طبق احتمال اول علم و یقین به ملاقات با پروردگار اشاره به عالم قبر و برزخ دارد، «و أنّهم إليهم راجعون» اشاره به قیامت. کسی که به مردن و قیامت یقین داشته باشد، قهراً قلب او خاشع خواهد شد.

طبق احتمال دوم کسی هم که توقع و رجاء به لقاء پروردگار داشته باشد (لقاء به معنای حقیقی خود، نه قبر و قیامت)، این امید و رجاء، باعث می‌شود یک خوف و نگرانی در دل شخص باشد که منجر به خشوع او می‌شود. او برای اینکه خوف دارد به لقاء پروردگار نرسد خاشع است، برای اینکه خوف دارد در قیامت گرفتار شود خشوع خواهد داشت. پس ارتباط این احتمال با معنای خشوع هم روشن است.

### **بحث جلسه آینده**

احتمال سومی هم در اینجا وجود دارد و آن هم این است که «يُظَنُّونَ» به معنای حقیقی خودش باشد، یعنی گمان. اینکه این چطور با خشوع قابل جمع است مسئله مهمی است که انسان ظن به ملاقات با ربّ داشته باشد اما در عین حال خشوع هم داشته باشد. این احتمال نیاز به توضیح دارد که انشاءالله در جلسه آینده بیان خواهیم کرد.

«والحمد لله ربّ العالمین»